

۳۱۷
 عطا کاتب هر و انصافی مبارک
 ایپروردگار مفتون جمال خویش محمد حسن را در جوار رحمت کبری پناه ده و با سرار ملکوت
 ابهی آگاه کن باب غفران بگشا و بعفو و احسان معامله نما پرتو الطاف ظلام آتام زایل
 کن و بنور موهبت جبین روشن و فیرنا ایند او ند با قرآن را شمع باهر کن و محمد رضا ابرضا
 خویش موفقی فرما و عبادت را مظهر موهبت الله کن و آقا بابا و شکر الله را شمع هدی فرما
 و آقا مرتضی را غرق در پای الطاف نما و حسین را از آوارگی نجات ده و آزادگی بخش و عون
 و صون خویش را دشان کن توئی مقدر و توانا ع ع سنا بده

بواسطه حضرت غدلیب هواآیه

جناب حاجی محمد و جناب مادی سروستانی علیهما باء، الله الاسبغی

هواآیه

۳۱۸
 عطا کاتب مبارک
 ای دو برادر یک روح در دو پیکر محمد و احمد نه اخوت جهانی و معنوی و جسدی و روحانی در آن دو
 برادر جمع شده است این اخوت صحیحه صمیمیه است مبارک و قیمین است باری مکتوب شما
 بواسطه جناب غدلیب واصل و ملاحظه گردید از ضیق حال و تسلط اهل و بال شکایت فرموده
 بودید این ضیق و تنگی عمومی در جمیع جهات واقع و با کثر اشخاص وارد حکمتی در اینست انشاء الله
 زایل

زائل میگردد قدری صبر و تحمل لازم انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و اما تسلط
 مشرکین سیرتیه الله بقدرته و قوته و العاقبه للمتقین و الروح و البهائم علیک و علی

کل من ثبت علی المیشاق ع ع متابته

هو الله

جناب آقا غلامعلی جناب آقا مصطفی جناب آقا مرتضی جناب عباسعلی خان عظیم

بصحة الله الاهی

۳۱۹

هو الاهی

ای دوستان حقیقی در ایذم که نفس رحمانی از ملکوت الاهی بشام عبد البهارا
 معتزله نموده بذکر شما پرداختم ملاحظه نمایند که در چه مبارک دمی بیاد شما مشغول شدم
 قسم بروی و خوی دلبر الاهی که قلب بجهت اجبای چنان دروله و انجذابست
 که وصف نتوانم و از فضل قدیم و لطف عمیق همیشه ملتزم هستم که چنان آتش
 محبتی در دل و جان شما برافروزد که چون عبد حقیرش عبد البهائم جهانیرا پر

شعله و آتش نماید و هر متر لرزیرا ثابت و راسخ

کنید و البهائم من الله علی الالبهائم ع ع

۲۷۱
بلوک سروستان و تزننگ

اجبای الی
علیم بہادانہ الابی

ہوائے

۳۳

ای پروردگار مہربان این عاشقان آوارہ گوی تو آشفته سوی تو دلدادہ خوی تو پویندہ
سوی تو جویندہ روی تو لب تشنه جوی تو و شب و روز در جستجوی تو نظر عنایتی فرما طغنی
کن موہبتی بدہ نعمتی مبذول دار تا از خست فراق بیاسایند و بجلقہ وصال درآیند آوارہ
سروسامان یابند بیچارہ اند آسایش جان یابند در بندند در مان جویند آزرده اند شادمان گردند
اہم آہ و فغانند بروخ و ریجان رسند این نالہ و آہند بیارگاہ رسند الہا تو اکاہی کہ پناہی
در ہر شام و صبح گاہی بگیرند و برآرند و فضل و موہبت تو خواهند خدا یا مہربانارحما کریم یا
شایان موہبت است رایگان فرما و ہرچہ مقتضای رحمت است ارزان کن نسیم جان بخش بوزان و نغمہ
میشک ذفری بفرست تا دماغ مشتاقان باغ جان گردد و مشام آزادگان پر گل و ریجان شود
قوتی بدہ کہ بخدمت پردازند قدرتی عطا کن کہ از عمدہ شکر آن بد آیند و فریاد برآرند طوبی لنا
بشری لنا و فرحاً لنا و طرباً لنا و طوعاً لنا و فوزاً لنا من ہزہ الموہب الہی اشرفت بہا الایاق
و تلتلت بہا اشراق و جمعتنا علی الوفاق و ازالت عن الای الارض التفاق و اسأل
الستبول

ظلمت کا تب نہروا مضافاً مبارک

استیول من الآفاق جاء وشفقاً بجبال تجلی فی یوم الشدق رب ادر علیهم کأداء ما ورثتم صبیاً
الفضل والعطاء عهداً ویشاقا انک انت القوى المتین لا اله الا انت العفور الرؤف العلی

العظیم ع ع ع

هو الله

بواسطه بشیر روحانی ش جناب استاد جواد سلمانی من اجل تصاد علیه بهاء الله

۳۳۱

هو الله

کجا مبارک

ای آواره من دشت و صحرا پیودی و احرام کوی دوست بستی و بقدر مقدور رجوع

نمودی ضرر ندارد من بالنیابه از تو در آستان پاک روی و مویرا بنجاک مشکبوی خوشبوی ینایم و از

الطاف غیبی رجا میکنم که مشام تو نیز معطر گردد اصل محبت آتیه است چون مؤید بانی انشاء

بر رعایتی موفق و مؤید میشوی و هذا من فضل ربی تا توانی بذکر حق مشغول باش و از مادون برادر

و محرم اسرار و ستر الهی عبودیت درگاه است و جودت و قانائاً آند باین فائز میگردی ع ع ع مقابله

حضرت افغان سدره مبارکه الذراع الجلیل جناب آقا میرزا آقا بقاء علیه الله

۳۳۲

هو الله

کجا مبارک

حضرت افغان سدره ربانیه حسب الإرادة المطلقة انکه چون جناب ابراهیم افندی از

نفوس هستند که تازه بشریۃ الہیہ وارد و بر شاطی بجا حدیث نازل قلبان بانوار هدایت
 کبری روشن و روحان بنفحات خوش ریاض موبت حضرت ربوبیت گلشن لہدایا
 که آنجناب بجمع و صائل مثبت که سبب از دیدار روح و بر جان و اشغال از محبت اللہ در
 کینوتشان گردد البتہ اورا راضی و ممنون فرمائید والروح والہباء والغرو الثناء
 علیک و علی سلیک الذی ہو مذکور فیقولوب اہل اللہ و علی سائر الاجزاء و السلام
 متابعہ

ہو اللہ

پور تعید حضرت افغان سدرہ مبارکہ جناب آقا میرزا آقا علیہ بہاء اللہ

۳۲۳

البشارہ محرمانہ

ای فرع علیل سدرہ مقدمہ مبارکہ جمال قدم واسم اعظم روحی لاجبائہ الفدا در وقتیکہ
 در حفا شریف داشتند موقعی در جبل کرمل بکرات و مرات تعریف فرمودند کہ آنخجل بسیار
 باصفا و لطافت و نصارت و تقاربت است و امر فرمودند کہ آنخجل را بہر قسمت بگیرند بسیار
 بسیار میل مبارک بگرفتن آنخجل بود چہار سال پیش بر رسیدہ بود آنخجل گرفتہ شد و جرنی ترتیبی
 دادہ شد و میاگشت پس سفارش مخصوص برنگون دادہ شد و مکاتیب متعدده مرقوم
 گشت و نقشہ صندوقی از رخام آنصفحات کہ در جمیع جہات معروفست کشیدہ شد

وارسال

و ارسال گشت و بسقت زیاد یکپارچه نسبت اتمام شد و بواسطه چندی عمل باینجا گشت

و اهبته درین راه درود و بعضی از شهر اچه شد مسموع آنجا بگشته خلاصه با صدوقی از

بهترین شب بندوستان چندی پیش وارد گشت و یک سال قبل ز اینجا جناب آقای میرزا اسدالله

را مخصوص فرستادیم تا آنکه با تخت روان جسد مطهر و ایکل مقدس و عرش عظیم روحی تشریف آ

را از ایران با کمال توقیر و خشوع و خشوع و احترام با چند نفر اجاب حمل نموده وارد ارض مقدس

نمودند حال در حیل کرمل مشغول بنا، مقدس هستیم و انشاء الله شمارا نیز میخواستیم تا با ما در سنگ

و گل کشی در آن مقام مقدس مبارک شریک و سهیم گردید و اقباس فیوضات غیرتناهی ما

و باین شرف اعظم موفق گردی و هذه بشارة لاتا بها سلطنة الملک و السموات فی الحقیقة چنان

سرور و جهوری دست داده که وصف نتوانم زیرا آن عرش مقدس بسیار مورد آفات

اهل ظلمت شده بود الحمد لله بعون و غایت جمال قدم چنین ابواب فراهم آمد که

در نهایت عزت جمیع ابواب متیا گشت که محل حیرت کتل خواهد

شد و البها، علیک و علی افنان
اتدره المقدسه هناک متا

حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله علیه
پور سعید

هو الاهی

۳۳۲

ظ مبارک

ایها الفرع اجلیل من السدره المبارکه خبر وصول محفوظ و مصون سبب فرح و سرور گردید
از من فضل ربی ان ربی لعلی صراط مستقیم در خصوص امور متوکل بر خدا باشید و مطمئن باشید
ملکوت ابی عنقریب ملاحظه خواهید کرد که آثار تأیید از جمیع جهات احاطه خواهد نمود در خصوص
ارسال حضرات حال ورقه مقدسه قدری کسر پیدا نموده بود الحمد لله رفع شد ولی هنوز
قدری ضعف باقی و از این گذشته هوا گرم انشاء الله هوا ماعتدل شود و شمار دست
تکمیل حاصل نماید و امور منتظم گردد که مشغولیت زیاد نداشته باشند و قتش خواهند

آمد و البهائ علیک ع ع

هو الله پور سعید

حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله علیه
۳۲۵

هو الاهی

ظ مبارک

ایها الفرع اجلیل من السدره المبارکه چند مفتی پیش کتوب مفصل مرقوم گشت و ارسال شد

و آنجا

و تا بحال خبر وصول نرسید چون مکتوب مهم بود لهذا تکرار مرقوم میشود مقصد اینست که
اینعبده بدرجه مشغول که بوصف درآید با وجود این مرقوم گشت شما ملاحظه فرمائید
خواه بنویسم و خواه فرصت نکم البته شما همیشه مرقوم دارید ع ع سائمه

۳۲۶

هو الابی

اینذکان کی تمک بذیل تقدیس جوئید و درخل ملک توحید با انگ ملا علی قلی
و کبیر مشغول گردید و در خدمات دوستان جانفشانمائید هر یک خادم یکدیگر شوید زیرا
خدمت اجبآ، الله خدمت حقت اجبای پور تعید فی الحقیقه سبب سرور اینعبده استند
زیر اینخدمت یاران قائمند و در نصرت امر الله مشغولند طوبی لهم و حسن مآب لیهآ
علیکم یا اجبآ، الله و او دآء ع ع سائمه

هو الابی

حضرت افان جناب آقا میرزا آقا علیه بآ، الله الابی ملاحظه نمایند

۳۲۷

هو الابی

ایها الفرع الکریم من اشجرة المبارکة الی اصلها ثابت و فرعانی السماء و لولآی اکلفنا فیکل حین
آنچه مرقوم فرموده بودید ملاحظه شد نو ایامی آنحضرت شبیه آنست که خالص تده بوده و رقه

منفصله فحاشا للعموم مرقوم شد و ارسال گشت ملاحظه خواهید فرمود حال مقصد اینست که انشاء الله
 آنحضرت نوعی موفقی گردند که تعدیل و تحکیم امور حاصل و ضبط و رابط و صیانت در جمیع شؤون
 و محافظه حقوق و مراعات مراتب لائحه و ملاحظه عواقب باهر و صیانت کپا نیه در جمیع
 مراتب کامل و رضایت قلوب و روح و ریجان نفوس حفظش بقدر امکان واضح گردد
 و یقین است بعون الهی و امانت آنحضرت جمیع اینها حاصل میشود و البتة علیکم

ع ع

۲۲۸

هو الابی

ایفرع مشعب از سدره مبارکه علیکم بها، اتمه و جوده و عنایه اگر چه جواب نامه آنجناب از
 پیش ارسال شد و لکن حال چون جناب حاجی عازم موطن و قاصد آن ارض مستند و بخاطر
 داشتم که چون روانه شوند مکتوبی مرقوم شود که حکایت از کتاب قلوب کند و راز درون نماید
 لهذا اینچند کلمه پرداختیم و بر زحمت شما میفزودیم آئی نمیگذرد که بخاطر دوستان معنوی گذری
 و دمی زود که بیاد محبان حقیقی نیای در محفل بیاد تو مشغولیم و از عنایات سابقه فضل و بوی
 راحت مستلک بنمایم که آن افغان دونه بقار در جمیع احیان بفیضان ابر رحمت سبز و خرم دارد
 و با شمار طیبه مشهور و بارور سبب علاء کله الهیه نماید و واسطه نشر اخلاق رحمانیه گشایش

قلب

قلب غایت کند و فصحت و وسعت دل و جان ارزان فرماید تا در انجمن یاران
بانوار فضل رحمن روشن و منور باشد و آثار موهبت یزدان مشهود و محسوس و البهائم

علیک ع ع منائے

هو الله

ش ا ج ا ی الی علیهم بہا، الله الایہی
۳۲۸

هو الله

خطبہ
رب و منائی و الی و رجائی ہولاً، عباد سمعوا النداء، و لبوا بكل ولاء، و وفاء، و امتنوا
و صدقوا بآیاتک الکبریٰ و انجذبوا بالاشراق و توجهوا الی نیر الافاق و ثبتوا علی لمیثاق
و لم یتزلوا بمانی اوراق تشبہات من النفاق و الشقاق بل ثبتوا و غلبوا و استقاموا و
استفاضوا من حیاض موهبتک الی شاعت و ذاعت آثارنا و سطعت و لمعت انوارنا
و ماجت و ماجت بحورنا و فاضت و امطرت غیوبنا و انہرت و انسجت غیوبنا
ایرب اجعل مجاری بیتک محرام مجاری ما، فیضک لتازل من غمام الفضل و الاکرام ثم
اجعلہم خدمۃ عبتک المقدمۃ السامیۃ المقام و ساعین فی اعلا، ارکانہ المعطرۃ الارباب،
و کبیتن علی تریبہ المغبرۃ الشدا و اجعلہم منہما خیرا کما سجدنا فی ملک المحضرة الرحمۃ

العیة البنا، انک انت الکرز القدر ع ع متنا بمر

هو انہ

حضرت افان سدرہ مقدسہ جناب اقا میرزا آقا علیہ بآء انہ الاهی

هو انہ

ایمان الذرع البلیل من السدرۃ المبارکہ مدیت کہ بانحضرت چیزی نگاشتم ہر قدر گلہ و شکوہ

۳۳۰
خط
دور

نمائند حتی باشماست زیرا اقلتا ہر ماہی ارسال نامہ کی وجہ و لازم و در ہر دم پیغامی

فرض و متختم ولی اگر بدانی کہ عبد البنا، در چہ طوفان بنا بتلا و در چہ بجران مصائب و بلا یا

گرفار البتہ در دہری سبطری قاعنت نامی و معذور داری با وجود این هجوم الان

کہ عازم تشریف باستان مقدسہم کہ روحی جدید یابم بیاد شما افتادم و بکارش این نامہ

پرداختم و بوکالت شما بر خاک آستان تربت پاک افتادہ بالنیابہ

زیارت خواہم نمود حضرات افان سدرہ مبارکہ را بکبیر

و تحیت البلاغ فرمائید و ہچنین ساید و ستا ترا

ورقہ مقدسہ کبری و صفری را بکبیر برسانید

ع ع

هو انہ

هو الله

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بآ، الله ان

۳۳۱

هو الله

ایها الفرع ابلیس من اسدره المبارکه الی الی هذا فرع من الشجرة المقدسة التي اصلها بيت
 وفرعها في السماء، وتوتی فی کل بین اکلهما ارب اجله تمته امر تقفا مخضراً غصناً رطباً بواهل
 المواهب و ما ظل سواکب السحاب ارب تبايده على نشر النقيت و وقته على ترویح
 الكلمات و تفریح التاب بالمسرات و تفریح الکردب للملئت بالبشارات ارب
 ثبت به القلوب و رکز به الامور و فرج به الهموم و اجله آیه الروح و الریحان بین ملا
 الايقان و اجله مشغولاً بما یزیده عزاً فی الامکان و حصر اوقاته على اعلاء کلماتک بین
 اهل الاکوان انک انت الکریم المنان ع ع سادته

هو الله

ایها الفرع المحترم الیوم یجمع قوی بکوشید که اجبای الی نهایت اتحاد و اتنا قرا
 حاصل نمایند چیکه از اعظم فرانس نیز اریح تر زلزل بشیره میثاق احاطه نموده است ^{قوت} ذره ^{جمله}
 یازان تم مارانت برویله باشد باید بمیرا بطلن کله و حدانیت دلالت بکنه بوج

کرد و الباء، علیک ع ع

هو الله

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بها، الله
۳۳۲

هو الله

ایها الفرع الریح من الشجرة المبارکة مکاتیب آنحضرت رسید معاً بمنه ثبوت پریشان
الی بود امید از تأیید رب مجید چنانست که در جمیع اکنه و ازمنه و احوال موفق بعبودت
آستان مقدس گردید و خدمت بامر الله و اجاباً، الله نماید اینست ثمره وجود و جوهر مقصود

ظن مبارک

حضرات افان شجره مقدسه چندی بود در نزد ما بودند و بزیارت تربت طاهره مشرف مقصود

این بود که پیش از این در اینجا بفرز عظیم طواف موفق باشند و کی آنها

آنحضرت و بخصوص که میرزا بدیع ذکر اندک کسالتی نموده لهذا

حضرات خواهش مراجعت نمودند اینغذیز بلا حمله اینکه

شاید تنهایی سبب صدمه و دلتنگی باشد اجازت داد

انشاء الله بنایت سرور و بشارت بر جهت

میفرمایند ع ع

هو الله

ش حضرت افان سدره مقدسه مبارکه سینا علیه بهاء الله الابه

۳۳۳

هوانه

ای افان سدره فنی و ای جای بنال بهی بیت مقدس و مطاف ملاء اعلی را باید از بهر جهت
 در کمال حکمت حفظ و عیانست نمود و بجزمت و خدمت کوشید اینعبدارخندام آن آستانست
 ملاحظه نماید در ملکوت بهی آن مطاف روحانیان چه قدر اهمیت دارد باری اعلی را بر کمال در ظل آن
 مقام مقدسند و اما بقعه مقدسه معطره منوره حضرت حرم روحی ششاق استقام بر آنکه قدس
 باید در نهایت احترام آنرا محافظه نمود تا وقت ارتقا عش آید و آن مقام مطاف ارواح
 قدسیان را باید افان سدره مبارکه از قبل اینبدا طواف نمایند و بقعه معطره مقدسه حضرت حتما
 کبریا را زیارت نمایند ع ع سنانه

هوانه

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب قانیرزاقا علیه بهاء الله الابه

هوانه

ایها الفرع انکرم من سدره المبارکه چندی بود که حضرت افان علیه بهاء الله الابه را احضار نموده بودم

خط مبارک

خط مبارک

در ارض قدس بودند از قضا این ایام بلا یابی اینعبود شدت میجان بود بقسید که شب از روز ممتازند اینعبود
 نتوانست که از هر جهت ملاحظه اسباب روح و ریجان نماید باری رض مقصود نفسی منقلب که وصف
 نتوانم ثبوت و روح اینعبود و سکون ثابتین نکه داشته است و چون اسباب تثبت و گرفتاری
 از هر جهت مهیا بود مبادا عند حدوث الصعوبات و اشد اشد مشکلات حاصل گردد مصلحت چنین
 دیده شد که اقلای حضرات نیز مبتلا گردند ایشانرا روانه بقطر مصر نمودیم که تا جواب از آنجناب برسد
 در آنجا صبر نمایند باری مختصر اینست که امور آنجناب و ایشان ترتیب و تمشیش بدون ترف
 آوردن شامکنند و از پیش نیز مرقوم گردید از ثبوت و رسوخ اجای الهی و تمسک و تثبت
 بعد و میثاق مرقوم نموده بودید معلومست نفوسیکه مؤمن باشد و موقن آیات الهی هستند
 اگر جمیع من علی الارض قیام نمایند و بخواهند مقدار ذره بلغزانند البتة حاضر مانند چه که این نفس
 از کاس عنایت سر مست گشتند جز بنفحات قدس الفت نخویند و جز بانوار الهی منجذب
 نگردند و البهآ، عیدک ورقه مقدسه والده افانرا تکبیر ابرع ابی ابلاغ فرمائید همچنین

جمیع دوستان الهی را از قبل این عبد کمال

اشتیاق نمائید و البهآ، علیهم جمیعین

ع ع سنانة

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقای آقا علیه‌ها، الله الا سببه

۳۳۵

هو الله

خطاب مردم و هیئت مبارک

ایها الضرع الرفیع من دوحه البقاء نورانیت امراته جهانرا بصبح فیر و نور مبین روشن نموده نسیم
 رحیم حیات بخش جنت ابی شرق و غرب را معطر فرموده صوت تهلیل و تکبیر که بلا اعلیٰ میرسد
 و آنک تنزیه و تقدیس است که روحانیانرا جذب و وله میدهد قلزم کبریا چنانچه بپاکنجته که سوال
 کائنات را مستغرق نموده و نار الله الموقده چنان شعله زده که قلوب اهل ملکوت را محترق کرده
 جهان جهان دیکر شده و اقلیم و کشور حیات بشر نکمت روح پرور یافته لهذا همواره عبد البهائم
 جهات منتظر ظهور انوار شوق و شغف است و ترصد آثار جذب و وله امیدوارم که ان اقلیم
 نسیم الهی رشک بهشت برین گردد و آنکشور از فضل و موهبت جلیل کبر فخر و مباحات عالم بشر
 شود لذا باید جمیعاً شب و روز بکوشیم تا هر روز نور روز گردد و هر دم ساعت فیروز و یوزانت
 و جوه یاران شمع شب فیروز جمیع اجای الییرا با لطاف نامنهای بشارت دهید تا کل از این
 بشارت رحمانیه باهتر آید و در ارض الفت و محبت الله محشور گردند و علیک التحیه و التهنیه

یا حضرت افان مکتوبیکه از پیش مرقوم شد و دلالت بر احزان عبدالبهاء مینماید همیشه این بود
 که اول گاهی بعضی از یاران از یکدیگر شکایت ضمنی مینمودند و عبدالبهاء سکوت میکرد و مناجات
 مینمود و رب و تقی بین عبادک بر زبان میراند تا آنکه در یک پوسته مکاتیب متعدده از اشخاص
 چند وارد و معاذاته باشع عبارات مذمت اجباء چنان خالتی دست داد که بی اختیار آن مکتوب
 مرقوم شد و الا این نگشته صحرای فنا از یاران شیراز شکایتی ندارد بلکه نهایت محبت را دارد

احزان حضرت افان (۲۲۵) این خط مرقوم مبارک است

ع ع

هو الله

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بقاء الله الاهی

۳۳۹

هو الله

ایها الفرع الرفیع در ایذم که از احزان مظلومیت شهداء چنان آتش حسرتی در دل این مسجون
 مظلوم افروخته که ابد امجال تحریر و تقریر نگذاشته معذک ای نعبد بنگارش این نامه پرداخته
 زیر مقصود این بود که مبلغی تدارک شده بجهت تعمیر بیت مقدس ارسال گردد و الا ناثر و تحسیر
 نه بدرجه که قلم تجول و لسان تحکم تواند و این نظر بصدقات و بیات وارده بر حضرت
 شهداء روحی لهم الفد است و الا چه موهبتی اعظم از این وجه الطافی اکلان از آن که جان

خط مبارک

در ره جان فدا شود و تن در محبت آن گل پرین در خاک و خون غلطد غمقرب کل ترک
 و غده ایخمان ظلمانی بنمودند و بدرگاه احدیت بی زاد و توشه و ارمغان و هدیه توجه میکردند
 حال هر یک با ارمغانی از سرفدا و هدیه خون شهادت کبری بدرگاه کبریا، توجه فرمودند چه
 قدر فرق در میانست حضرت اعلی روحی له الفدا در احسن القصص میفرماید یا سیدنا
 الاکبر قد فدیته بکلی لک و ما تمنیت الا القتل فی بیک باری از برای شهادت
 موهبتی اعظم از این نه که روضه در بسیل آن محبوب بیمنتا فدایانند رب و تقنی حلی هذا و اما
 از جهت امراته و اعلای کلمه الله شجره مبارکه سقایه کامله شد و غمقرب چنان نشوونما
 نماید که امتا ادوار ارتفاع جوید که عقول حیران گردد و قوعات پیش برهان عظیمست
 خلاصه مواری پنجاه لیره فرساوی ارسال گردید یعنی هزار فرنگ حال پیش از این ممکن نشد
 از طهران جناب امین اگر ممکنشان بشود نیز خواهند فرستاد ع ع

را کلمات حسن و حسن

هو الله

ش حضرت افان سدره مبارکه جناب آقای میرزا آقا علیه بها آتته الای

۳۳۷

هو الله

خط مبارک

اینک دفعه من است... آنچه توبه نموده بودید بر نرفته کنید از روایات و حکایات

نه مهر و رثودنه محزون حرف همان حرفت ولن تجدرسته الله تبديلا ان الله مع

الصابرين اين ايام عبدالبهاء بخش تجديده و در طوفان بلا چنان مستغرق كه وصف نتوان

در بحران عظيمت حضرات افان سدره مباركه را تكبير ابداع ابهي برسان در يوم اول

رضوان از قبل عبدالبهاء زيارت بيت مقدس نمايد ع ع متناهار

هو الابهى

جناب افان سدره مباركه اقا ميرزا اقا عليه بقاء الله

۳۳۸

هو الله

ايها الفرع الجليل من السدره المباركه يك نسخه از بيان پنجاب اقا سيدمدى بدويد و اگر چنانچه

خط مبارک

موجوده حضرات افان تقسيم نموده مرقوم نمايند و تسليم كنند و البقاء عليك و عليهم

ع ع سبانه

هو الابهى

ش حضرت فرع رفيع جناب اقا ميرزا اقا عليه بقاء الله عا خطه نمايند

۳۳۹

هو الابهى

ايها الفرع الرفيع من السدره المباركه مدعيت كه آنجناب وارد ارض شين گشته ايد و تا

خط مبارک

بجال

بجای یک تحریر وارد فوراً جواب مرقوم و ارسال گردید ما منتظر آن بودیم که پور و دشما آثار
اشغال نمودار گردد و اجای آنسان در شور و شوق و فوران و ذوبان آیند و رود آنجناب
چون دنول موکب موسم ربیع باشد که در طلال و دیار ضمیمه برافرازد و در صحرا و دشت با سپاه
فیوضات بتازد هنوز خبری نرسید و اثری ظاهر نشد باری ظهور و بروز لازم و آثار
ورود و وفودی واجب اینعبدر آستان مقدس شب و روز متضرع و مبتل که بنود نماید
ظہیر گردد و ملاکه ملکوت نصیر انشاء الله من بعد تلافی مافات خواهد شد حضرت میر خدیو
و حضرت میرزا بزرگ مکاتیبشان میرسد فی اخصیقه در بعضی شئون ترقی نموده اند و حالاتشان
بسیار موافق و جواب هر کتوبشان مرقوم شد اینروز ما احضارشان نمودم عنقریب وارد
خواهند گشت مصائب و بلاها وارده بر اهل آن اقلیم فارس شدید شده است و امتداد این
اگر چنانچه رفع این بلا و دفع این مصائب بیهستی را بخواهند باید مسجدی را که جنب بیت مندرج
تعمیر نمایند و در آنجا تضرع و بتلی و استمال و ترجمی و عجز و نیازی بجزی دارند و دفع بلا خواهند
و کشف صرا، جویند تیرد عادر در دفع استجابت کارگر گردد و بکلی این بلا یا مندرج شود
و ذلک و عد غیر مکتوب بل مسطور فیلوح مخدبند خندربک الغریز القیوم ایفرع رفیع
ما نفع کن که عواقب تجارت و صناعت و معیشت چه بود و چه شد داشت بتم هلاک بود

یا شه نجات مضرت جان بود یا سترت وجدان فاعبروا یا اولی الابرار پس در فکر
تجارت و زراعت و صناعتی باشید که ثمرش شیرین و رائحه اش غبیرین و رحمتش عظیم و روزش
در ملکوت علیین باشد ع ع ن

هو الله

ش حضرت افان جناب آقا میرزا آقا علیه بها، الله الایمی ملاحظه نمایند
۲۴۰

هو الله

ایها الفرع اجلیل من السدرۃ المبارکة مکاتیب متعدده و اصل و بر مضامین اطلاق حاصل
تاخیر جواب از شدت تأثیر بلا است نه از مسامحه در قضایا محقر اینست که دقیقه فرصت حوت
و آسوده گی خوشتر نه تا مکاتیب چنانکه باید و شاید مرقوم گردد لهذا بعد از تأخیر افتد شامل و کلاما
نیارید و هیچ بدانید که بعد البها، نهایت آتالش سرور و فرح قلوب اجبا و با لافض افان سدر
مبارک است و شب و روز بجان و دل کوشد که سبب روح و ریجان دل و جان گردد و چون
از آن جناب کمال الطینان حاصل لهذا تحریر مکاتیب را بوقت روح و ریجان مرهون مینمایم تا بکمال
افسراح مکتوب مرقوم گردد از خصوصاً علما مرقوم نموده بودید این امریست مقرر که آن نفوس تحلل
اقتدار نجات الله نمایند و تمام قوی مقاومت خواهند خدا را که در مقابل تعارض شده این

نبوت

ظرف
بزرگ
و
بزرگ

نبوت و رسوخی بیاران عطا میفرماید که مقاومت سبیل شدید کنند و چون بنیان حدید متانت
 عظیم بنمایند حضرت رئیس محمد بنه نفس نفیس مقاومت هر خدی را نموده و نمایند جملای قوم
 در آندینه البسته تحمل نفوذ کلمه ایشانرا نمایند لهذا باید که اجانوعی بحکمت با آنان برآیند
 و حرمت و رعایت کنند که بقدر امکان ناره حسد ساکن گردد زیرا این نفوس بتدای حب
 ریاستند چون رعایت بینند از همه چیز چشم پوشند و چون اندک زحمت در ریاست خویش مشغول
 کنند بمشایه آتش شعله زنند حضرت رئیس فی الحقیقه کمال سلوک را دارند ولی متدای شهر
 صید و شهرت طلبند و چون مخالف آرزوی خویش بیند بشرارت بر خیزد بهر قسمت تسکین
 شعله او بنمایند و صبر و تحمل فرماید و کمال حکمت را مجرب دارد باری محمد بنه علی حضرت شهریار
 در نهایت بردباری و بعدالت و انصاف مقاوم ظلم و اعتسافند و همچنین ارکان سلطنت
 قاهره و وزرای حکومت با بهره لهسته راضی بتعدیات و ستمکاری بجزدان نگردند و در افضیت
 و راحت و آسایش رعیت کوشند و همانند که اعلیحضرت مظفر منصور گردد و احدایش
 مغلوب و مقهور زیرا فی الحقیقه پادشاه دربانست و شهریار رعیت پرور پیران
 امید داریم که احقاق حق فرماید و دست تناول دزدگانرا مقلوع فرماید جناب
 میزاجی آسین که انسان بگیرد ماهی تا از آن خورند از برای بنی مکتوب نویسنده بود

موقوف می شود مقام مقدس حضرت اعلیٰ روحی له الفداء در کمال گرمی روز بروز بلند می شود
 و عنقریب یک طبقه جسمه عظیمه که محاط با ماکن متعدده در کمال متانت با تمام رسد ولی نمیدان
 که بیوفایان چه قدر معارضه کردند و چه قدر فاد نمودند که تا این بنیان بلند نگردد و این مقام مرتفع
 نشود الحمد لله بعون و عنایت الهی بساختن مشغولیم تا بعد چه شود الا مریدیه و سخن راض بقضائ
 حضرت افغان سده مبارکه را بگیر برسانید و همچنین جناب عدلی را از هر جهت نهایت محبت و
 الفت با ایشان مجری فرمایند و از وقوحت علما محزون نباشید این یقین است سبب حلوت
 امراته گردد و ذل و هو ان ستمکاران سوف تری هو لاء فی ذل عظیم و اگر تحریک
 و فساد آنان نباشد صیت امراته بلند گردان فیدلک حکمه لاولی الالبصار و علیک التجیه

و ایشنا، ع ع نشانی

هو الله

حضرت افغان جناب آقا میرزا اعلیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

ش
۳۷

هو الله

یا من یسع ینامی و صیاحی و نومی و خینی الیه فی جنح الیالی و صیاحی و اسحاری و بکوری و ضحالی و ذوالی
 و اصیلی و عشائی منذ لآبیا بحدی تک و حضرت رحمتی تک و خافضا جناحی للذین آمنوا

و آیات

خط مبارک

وآياتك وثبتوا على امرك ومنكوا بدينك وتشتبثوا بذيل برداء احديتك وخلصوا
 وجوههم لك وتركوا كل شهواتهم ولقد سوا عن كل الشبهات في عهدك وميثاقك وتنبهوا
 عن كل ظن وارتياح في مجتاهبنا، وشريعتك السماء، ربنا ربنا انت تراني وشدة
 بلائي وهجوم اهل النحسوم على حماي عن يميني ويساري وجنوبي وشاملي من سائر الاديان وطلعة
 اهل البيان ايرتب اني وحيد ففصرني ذليل عززني حصر احنطني فقير عطشي ضعيف
 قولي عطشان فاشفي فقير فاشفي ارحمني يا الهى خالصني من هذه البليات
 ونجني من هذه المصيبات واجبرني من هذه الوده في جوار رحمتك وارحمني اليك
 وارفعني الى ساحة عزك وادخلني في ظلك فيعوالم التي غفلت عنها طغاة خلقك وعصاة
 بريتك ايرتب ضاقت على الاشياء وسدت على ابواب الرجا، وتبدلت بالثقة
 الرجا، وتغسر كل ميور وظهر كل غم وهم معسور ايرتب ايرتبا سلك بقدم ذاك و
 قيوقيك ان لا تركني يا الهى مع هذه الحالة التي يرق ويرثي لها الصخرة الصماء، بك
 انت الكريم الرحيم المقدر المحن المنان الرحمن ع ع ع
 الهى الى هذا فرع من فروع سدة ربانيتك وآية من آيات ملكك وفردانيتك احفظه
 عن سهام الشبهات وظنون اهل الاشارات وادخله في حصنك محمين وركنك لمشيده

المتین و صنه بتو تک لقا به و قدر تک الباره و اجله سدا نیعا متقا و مال لسیول
 المنخدره و ممانعا شدید الجوم الجیوش الفاکمه الجائرة الیائمه لستصر متک بین لوری الشاکه
 السلاح باشه القوی ایرب ثبتا قدامنا علی المیشاق و حنظنا عن الشقاق و اهلنا
 متمسکین بعتوک لوثقی و منقطعین عما سواک یا مالک لآخره الاولی انک سمیع الدعآ
 ع ع ع رتابة

حضرت افان جناب میرزا بزرگ و حضرت افان آقا میرزا جیب را اجازه حضور داده وارد
 شد و بیفحاشات قدس مطاف ملا اعلی مشامرا مطر نموده چندی اینجا بودند و مرحبت کردند
 فی الحقیقه بسیار معقول و محجوب بودند از فضل و مودت جمال قدم روحی لاجنباه الفدا امیدوارم
 که در جمیع مراتب و شنوان روز بروز ترقی نمایند در خصوص اشغال و تجارت میل این داشتند
 که خود و برادر بکاری نلییده مشغول گردند و آزاد باشند و این عبدگفت که مرحبت با انتخاب
 نمایند و استیذان کنند اگر چنانچه شماراضی باشید ضرری ندارد در خصوص تعمیر بیت
 مرقوم فرموده بودید که سبب ضوضاء خواهد شد فی الحقیقه حضرت آقا میرزا آقای افان
 علیه بآ، الله الاهی نهایت شکایترا از بلایای قتا بعه بکباد فارس و یزد مرقوم نموده بودند
 و استدعای دعا در روضه مبارکه کرده بودند اینعبدا را منظور چنان بود که این بلا با سبب

رفع شود که سبب علو امراته و اعلای کلمه الله باشد لذلقتعد این کیفیت را
 نمودم که چون آن بیت معمور و مطاف جواهر وجود آباد و معمور گردد این بلا یا تنبها
 زائل شود و اما الیوم نفسی در پی عهد بانقسم واضح و مشهود تقعد اینگونه امور ننموده
 مراد این بود تا حجت الیه بالغ شود و شرف و منقبت آن بیت عظیم مقدس ظاهر و باهر
 گردد حال که اسباب ضوضاء و فساد اهل طغیانست البتة ملاحظه حکمت لازمست
 پس تدبیری باید نمود که فی الجمله تسهیل و تخفیف در بلا حاصل گردد و اما این بلا یا خدا نکرده است
 نیاید و آن اینست که گفته شود که مسجد جدیدی که قرب آن بیت رب جلیل است و ضربت
 شخصی از اولیاء که در جفر جامع ما هرست استخراج کرده است که اگر چنانچه آن مسجد تعمیر تمام گردد
 این بلا یا میبرمه تخفیف یابد و این غیوم مظلمه کشف شود چاره اکنون آب و روغن
 کردنست زیرا این مسجد شرف قرب جوار دارد بقدر این جواریت حکم و تأثیر
 دارد بنیان بیت معموریت ولی آب پاشی آسانست و جاروب کشی میدا
 همچو بظن نماید که از این چندان حرفی حال شود و اگر ملاحظه فرمائید که این نیز منجر بر آفات
 و حکایات و فرغ ناس و ضرع خلق و ضوضاء میشود باید سر تسلیم داشت البتة
 از او امر الیه است ملاحظه لازمست و محافظه الزم و آنچه الیوم اتم امور است

ثبات و استقامت کل بر عهد و میثاق الهی است اما نچنان ثبات بعضی که عبارت از لفظ است
 و بس چون شهادت بر سالت حضرت رسول از بعضی . والله يشهد انك لرسول و ان
 المنافقين لكاذبون ع ع متابعه

هو الابی

حضرت افان جناب قایم رزاقا علیه بقاء، الله الی ملاحظه نمایند
 ۳۴۳

هو الابی

ایها الفرع ابحیل من التدره المبارکة قد تموت کتابک لذی بکت العیون حین اطلاق علی ^{مضمون}
 و احرق قلبی من حرقة نازک و شدة نیرانک و کثرة اخراک و ایتهل الی الملکوت الی
 ان یفرغ علیک القبر فی البلاء و التحل فی الفراق اذا شد الساق بالساق و اقرب الی
 المیثاق و ان یجعلک فرحاً لاجباء و سروراً لاوداء و سکوناً لا رقاء و مسلیاً لا صغیانہ
 کلمات پر ضرب آنجناب سبب هجوم آلام و اخراک گشت هر چند از اصل نار احراق در شدت
 اشتغال بود و جنود هموم در نهایت هجوم . و لکن از قرائت محرمات شعده اش شدید تر شد و
 سولتش قوی تر گشت بعد صعود جمال مقصود دیگر طوفان بلاست که بر پاست رحمت
 جستن و آسایش خواستن و آرامی طلبیدن در بحر عظیم خشکی تخری نمودن و در آتش

سردی و تری جستجو نمودنت باید ابد امید رحمت و مسرت و محفوظی داشت با
 همچنان که خواسته بودید بدرگاه احدیت تضرع و ابتهال رفت که توفیقی عنایت فرماید که بجای از
 زلمات و مشغولیت بعالم حسرات خلاص شوید تا فارغ و ذمائی و خالص بر خدمت امراته
 قیام نماید و بشنونی موفق گردید که از لوازم اینفروع مکرم است محزون شود
 مگرد هر بلائی چون سیف زنجیرای تعلقه اقطع میماند فی الحقیقه این بلا نیست عطا
 جای سگوه نیست جای شکر است تابدالی که در جمیع شئون اینعالم جز حسرات و
 خسارات نبوده و نیست و البهآء حلیک ع ع تباراً

شیراز حضرت افان سدره مبارکه جناب قایم زاتاقا علیه بآء الله الاهی
 ۲۴۳ هوالله

کتاب در شرح این

ایمان الفزع الکریم من سدره استی ارکرت مشاغل و قوت مصائب عدم فرغت جواب قدری
 افتاد سبب نخلت گشت . و لکن المیچون معذور نامه آنحضرت که بتاریخ بیست و دوم
 صفر هزار و سیصد و نوزده بود و مهل گردید . و بر مضمون اطلاع حاصل شد شرحی منقصل از خدا
 و الصاف حضرت حک منصور بر قوم نموده ایدید سبب سرور و جهور شد و البته سبب عوان
 رب غفور و رها به گشت و آوازده اینغدل موفور شهرت اعصار و دهور گردد از خدا بیلیم

بجود لم تروما موفق شود و بخدمت اعلیحضرت شهباز خلد الله ملكه مؤید گردد اینقدر اثر را
شکرانه باید و این داد پروریرا خیر خواهی شاید پس باید جمع یاران بدل و جان اطاعت
و خدمت نمایند اجبای الہی باید مانند اغنام رحمانی مطیع شبان باشند و بکمال صبر و بردبار
حرکت نمایند از تشرف شهباز و تیراندازی فارسی لبوا ف بیت مکرم مرقوم نموده بودید بسیار
سبب سرور گشت یالت کنت معمم فافوز فوزاً عظیماً مکتوب جناب شهباز و تیرانداز فرات
شد سبب روح و ریجان گردید و جواب مرقوم شد و در طی این مکتوبت برسانید حضرت
افان سدره مبارکه مع ورقه نورآء و الہ شان کبیر ابداع الہی البلاغ فرمائید علیک
الحیة و الشنا ع ع معاً

هو الابی

۳۴۴

حضرت افان جناب آقا میرزا آقا علیہ بہاء اللہ الابی ملاحظہ فرمائید

هو الابی

وانت تعلم یا الہی مبلغ حبی و فرط ہمامی و عظیم و دادی و شدت تعلقی بافان سدرت رحمانتک و شوق
دوستہ فردایتک فو عرک الظاہرة الباہرة التي ذلت الافاق لعلوہا و عمت الوجوه لسموہا و
ضعت الرقاب لسلطانہا انی مستغرق فی بحر محبتہ کل ورقہ من اوراق شجرۃ ربایتک فکیف
فمن

خط مبارک

فمن احشروا نسا و نضروا زهرا و اثر فی فردوس جبک و استروی من انهار الطائفک و عاشن نجات
 ریاض احسانک ایرت بایده علی خدمه امرک و ثبته علی کلمه و صدایتک و ایده بتاید امک
 و اشد ازره علی القیام ابطا غمک و نور و بهمه بین معشر الافان بشده بثوته و رسوختمی
 لا تاخذہ لومته لائم فی امرک و لا تحرکه شدة العواصف لقاصفة للاصول و الاروم فیکل
 الازمان و لا ترغعه الزواج السخاطفة للروائح من الالاس فیکل الاحیان انک انت
 الکریم العزیز المنان رب اجعل الفروع النابتة من هذا الافنون خضرة نضرة ریاتہ لفضک
 وجودک الذی احاط العالمین ع ع متابینه

ایمان الفرج الرفیع من السدرة الرحمانیه آنچه مرقوم شد ملحوظ افتاد و آنچه مسطور گشت
 منظور گردید از خبر خزن آنجناب نهایت احزان حاصل گردید چه که اینغبار غمی است
 سرور و روح و ریحان افان سدره رحمانیت است و حال این خزن بسیار سبب
 تاثر اینغبار شد و آنکتاب که بجهت آنجناب ارسال گردید ملفوف و محکم بود چگونه باز
 شد و قرائت گردید بسیار سبب استغراب شد فتح کتوب و قرائت پیش از حد
 اصلی بد اجازت بلکه ممنوع و محذور و گذشته از آن مقصدی و مرادی نبود و تعلقی
 بآنجناب ندارد گفتگو و روایاتی در نشر شده بود در فحش و محوش و البته جناب